

کارگران معدن

از معدن های خاک رس، سنگ ساختمانی، آهک و غیره. این معدن از حیث هرگونه نظارتی برخوردارند و مقاطعه کار در آنجا حکمران مطلق است. هرکه را مایل باشد بکار بگیرد، هر دستمزدی را که مناسبی انصافی اوست میپردازد و هر لحظه که منافعی اقتضا دارد معدن را کور میکند. در این معدن استشار وحشیانه قرون وسطایی بیش از همه جا پیدا میکند. از اینجهت آمارگران، بیکاره از معدن "غیر متشکل" روی بر تافته و ۴۷۹ معدن را یکجا بحساب نیاورده اند. آن کارگر معدن آهک که در کنار کوه چکان میکند و آن کارگر کوهکن که روزی ۱۲ ساعت، فرهادوار، با سنگ خاره دست و پنجه نرم میکند در دفتر محمد رضاشاهی هیچ حساب و کتاب ندارد! اما در مورد معدن متشکل - در اینجا آمارگران بگرونی قسری و یا طبقه ای بنام کارگر نمی شناسند. برای آنها درصدا ایران فقط یک مقوله از نیروی کار وجود دارد که عبارتست از: کارکنان. آنها چه در مورد تعداد و چه در مورد حقوق، همه جا از کارکنان سخن میگویند نه از کارمندان و کارگران، تا مباردا گوشه ای از وضع زندگی کارگران از زیر روپوش ضخیم آمار بچشم بخورد.

بنام و این روپوش را اندکی بخرامیم. وضع نیروی کار در معدن مثال سنگ در سه استان مهم از این قرار است: بقعه در صفحه ۲

ادارات دولتی ایران، طبق دستور سازمان امنیت طوری آمارها را تنظیم میکنند که وضع زندگی مردم و به ویژه زحمتکشان حتی المقدور پوشیده بماند. این توطئه در تنظیم شاخص هزینه زندگی، مصرف سرانه، گوشت و تخم مرغ، حقوق کارگران، تقسیم بندی حقوق بکیران بنگاهها و غیره بکار میروند کم و زیاد کردن ارقام نیز از امور عادی است. معدنک همین آمارها و نمودارهای زبان بریده نیز بروخامت زندگی زحمت-کنان ایران گواهی میدهد.

اینک "آمار معدن ایران - سال ۱۳۴۸" در برابر ماست. کار در معدن یکی از دشوارترین کارها و دستمزد کارگران معدن در جهان سرمایه داری به نسبت کارگران دیگر بالاست. به بنیم که وضع در معدن ایران چگونه است. آمارگران، نخست معدن ایران را بدو گروه تقسیم کرده اند: متشکل و غیر متشکل. معدن متشکل آنهایی هستند که در وزارت اقتصاد پرونده و پروانه دارند یعنی یا اجازه فعالیت مستقل بدست آورده اند و یا از جانب وزارت اقتصاد به فعالیت مشغول اند، و در هر صورت تحت نظری از نظارت قرار گرفته اند.

معدن غیر متشکل آنهایی هستند که بمقتضای فصل و احتیاج مقاطعه کاران راهها و شرکت های ساختمانی بکار میروند و بنا بر همین اقتضا هم تعطیل میشوند. مانند بسیار

آتش بیار و آتش نشان

همان موقع که محمد رضاشاه با جنجال "الف" قرار داد کسرسیوم قرارداد جدید نفت با انحصارهای امپریالیستی را باضا رسانید و متعهد شد که تولید نفت ایران را در سال های آینده به ۵۰۰ میلیون تن برساند سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان در اعلامیه های باین مناسبت گفت:

"این خیانت جدیدی است نه تنها بمنافع و مصالح مردم ما بلکه بمنافع همه خلق هایی که با نفتخواران جهانی همبازیه برخاسته اند، خیانتی است نه تنها در مقیاس ملی بلکه در مقیاس بین المللی" (توفان شهریور ۱۳۵۱ شماره ۱۱).

و در خرداد گذشته، توفان چنین گفت:

"امروز بر همه روشن است که نیاز جهان امپریالیسم به نفت کشورهای اوبک روز افزون است و با وضع دشواری که در اثر مناقشات و تیربخی از دولت های خاورمیانه و آفریقا برای انحصارها نفتی پیش آمده تا همین جریان نفت برای آنها اهمیت درجه اول یافته است... روزنامه لوموند که وابسته به وزارت خار دولتی است که از طریق "شرکت نفت فرانسه" در کسرسیوم سهم دارد در باره قرار داد جدید شاه و کسرسیوم میگوید: "در زمانی که مسئله تا همین نفت و گاز بصورت یکی از خطیرترین مسائل دنیای غرب در آمده است و مطالبات کشورهای تولیدکننده روز بروز سنگین تر میشود... شرکت های کسرسیوم چنان منبع مطمئن و فراوانی مانند منبع نفت ایران را بمسرت بیست سال برای خود تا همین کرد باند... این گفتار لوموند فریب دهنده و پیریزی است که از گوی انحصارهای نفتی بیرونی آید. گذشت زمان و پیش آمد جنگ خاورمیانه و تحولات عظیم این منطقه صحت نظریه سازمان ما و خیانت بزرگ محمد رضا شاه را بیش از پیش آشکار ساخت. امروز که امپریالیست ها در اثر مناقشات سازمان یافته دولت های عربی بوضع دشواری دچار آمد باند تکبگانه مهم آنها در تحصیل نفت، همانا محمد رضا شاه و قرار داد جدید او با کسرسیوم است. در نتیجه ضد امپریالیستی خلق های خاورمیانه شکافی هست بنام محمد رضا مدیر روابط بین المللی شرکت ملی نفت ایران در اجلاس اتحادیه اروپای غربی اعلام داشت که ایران "تأحد ایکسان" رفع نیازمندی های نفتی جهان را باری خواهد داد. بکه البته منظور او جهان امپریالیستی است. و اضافه کرد که "ایران در نظر دارد... ظرفیت تولیدی فعلی خود را تا امتداد رجه افزایش دهد" (اطلاعات ۳۰ آبان ۱۳۵۲).

در روزهای جنگ خاورمیانه تلاش ایران برای تدارکتر امضای قرارداد های نفت و گاز با شوروی و آلمان غربی و بررسی دیگر از کشورهای آریزند امپریالیستی چند برابر شد. مرتجع ترین سیاستمداران آلمان در مجلس آن کشور از اقدامات شاه در کک به تاخیر نفت و گاز امپریالیسم آلمان سیاستگری کردند و تاسف خوردند که دولت آلمان قدر چنین دوستی با وفائی را تا امروز بخوبی نشناخته بوده است. روزی نیست های حزب توده ایران هم قرارداد تاراج جدید گاز ایران را که بدست سوسیال امپریالیسم شوروی صورت خواهد گرفت مثبت خواندند. و خلق های خاورمیانه با خشم و نفرت بی پایان دیدند که محمد رضا شاه چگونه به ماشین اقتصادی و جنگی امپریالیسم و صهیونیسم نیرو می رساند.

محمد رضاشاه کارگشا را بد آنجا کشانید که درصدا با یک روزنامه لبنانی به ملامت کشورهای عربی در استفاده از سلاح نفت برخاسته گفت که آنها باید "محدودیت جریان نفت بسوی غرب را تا معلوم شدن نتیجه" بقعه در صفحه ۲

درباره یک اندرز امپریالیستی

در خارج از کشورهای خوش دارند نمی متعلق به موسسات آمریکائی است. بموجب آمار سازمان ملل ۲۰٪ از کارگران صنعتی هفت کشور کانادا، انگلستان، فرانسه، آلمان غربی، بلژیک، برزیل و مکزیک در کمپانیهای مختلف آمریکائی مشغول کاراند و ۲۰٪ تولید صنعتی این ممالک در دست کمپانی های مختلف آمریکائی است.

برای آنکه میزان بهره کسری سرمایه های صادراتی امپریالیستی معلوم شود یادآوری این نکته کافی است که طبق آمار سازمان ملل از ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۰ سرمایه گذاری خالص خارجی در ۷۳ کشور بیش از ۳۰ درصد سودی بوده که از آن کشورها در اثر همین نوع سرمایه گذاری ها خارج شده است. بررسی خود آمریکا تنها نشان میدهد که سرمایه های آمریکائی که امروز از آن کشور خارج میشود کمتر از نیمی از درآمد شعب کمپانیهای آمریکائی موجود در خارج است. باین معنی که سرمایه هایی که از آمریکا بکشورهای دیگر میروند نیمی از سرمایه هایی است که کشورهای مذکور بعنوان سود به آمریکا برمیگردانند. بقعه در صفحه ۲

سفیر آمریکا در ایران، ریچارد هلمز، در جلسه "ناهار باشگاه روزاری" (۲۰ شهریور) حقیقتی که بی برد سخن گوید زیرا که در محفل خانوادگی سخن میگفت، بنا براند رزاو: ایران باید در راه های خود راه چنان بر روی سرمایه های خارجی بازنگهدارد تا صادرات دود نیا بوی ارزانی شود.

ریچارد هلمز بناسبت افتتاح نمایشگاه بین المللی بازرگانی در تهران در مقابل "قدرت اقتصادی" ایران اظهار شگفتی کرد و گفت: "رشدی که طی سال های گذشته ناظر آن بود ما به چشم ما هرگز در آن نفت است بلکه سرمایه گذاری خارجی از ماورا" دریاها نیز در آن سهم بوده است."

باین طریق ریچارد هلمز بیان داشت که آنچه در "محمد رضا" شام شد اقتصاد میماند بطور عمد از عوامل تولید داخلی ناشی نمیشود بلکه نشانه "دو چیز است: یکی افزایش قدرت نفت و دیگری افزایش انعامی که امپریالیست ها باین مناسبت بدولت ایران میدهند و دیگر توسعه سرمایه گذاری خارجی در ایران.

هلمز چنانکه گوئی با کوردگان سروکار دارد در آنجا میباید که در آمریکا نیز سرمایه "خارجی" عمل میکند. ولی نمیگوید که شاخص کشور آمریکا در سرمایه خارجی نیست بلکه در سرمایه داخلی است.

آمریکا از جنگ جهانی و فرسود شدن دولت های کهن سال تسر سرمایه داری استفاده کرد و سرمایه های خود را برای مکیدن آنها و سایر دول جهان بکارانند لغت. لنین در همان ۱۹۱۸ میگفت: "مرحله داری حصارهای از چرک تولیدی نیست است... در هر دو لای آنها خون دیده میشود". به ویژه برای جنگ و جهانی و نقشه معروفتر بر اساس سود و سرمایه به اروپا تسریم شد. سیادت جهانی آمریکا نیز از این تاریخ گسترده تر کردید. البته کشورهای امپریالیستی اروپا و ژاپن بنا بر اصل رشد ناموزون سرمایه داری - در جهان زد و بند ربح کمتری گرفتند بر قابت با امپریالیسم آمریکا برخاستند. ادعاهای بازار مشترک اروپا یکی از مظاهر این رقابت است. جنگ از راه های اروپا و ژاپن بسیار داری یکی دیگر از نشانه های زور آزمائی سرمایه های امپریالیستی جهانی بایکدیگر است. امروز سرمایه های امپریالیستی غیر آمریکائی نیز بنا بر خاصیت بین المللی بودن سرمایه داری بکار افتاد باند. ولی هنوز آنچه تسلط دارد سرمایه آمریکائی است. خود ریچارد هلمز نمیتواند این تکبر را بپوشاند که "سرمایه گذاری ایالات متحد در کشورهای خارجی بمراتب بیشتر از میزان سرمایه گذاری های خارجی در ایالات متحد است" کافیه است گفته شود که در ۱۹۷۰ سرمایه های آمریکا در کشورهای دیگر تقریباً ۸۶ میلیون دلار بود یعنی ۶۰ برابر مجموع سرمایه های خارجی در آمریکا. تعداد شعب کمپانی های آمریکائی در خارج در عرض ۱۵ سال ۳ برابر شده و به ۲۵ هزار رسیده است. از ۱۶۵ میلیارد دلار سرمایه ای که کمپانیهای مختلف بین المللی

گرانی در ایران پیدا میکند

گرانی در ایران پیدا میکند. تبلیغات دولت درباره "مبارزه با گرانی" چیزی دیگری جز دروغ و لاف و کسوف نیست. اینک گواهی از مذاکرات مجلس سنا:

"بسیاری از مواد خوراکی که روی آن قیمت زده شده قسمت زیادش بپوشیده و فاسد و غیر قابل استفاده است. یعنی فی المثل باید ۲ کیلو لیونترین با قیمت برچسب شده خرید تا بتوان از زمین آن بقدر نیم کیلو لیونترین سالم و قابل استفاده بدست آورد و وضع در تمام موارد تره بار به همین نحو است..."

شخصی "۸ سال پیش منزلی به ماهی ۳۳۰۰ ریالی اجاره کرده و در اول سال ۵۱ اجاره آن به ۷۵۰۰ ریالی افزایش یافته و اینک مالک میخواهد آن را به ۳۰ هزار ریالی افزایش دهد".

"در ایران بر طبق تحقیقات بانک مرکزی و مرکز آمار ایران، اجاره خانه از ۲۵ تا ۵۰ درصد بوجه معافان و مستحقان میگردد..."

"نرخ دبستان به ۸۰ هزار ریالی رسیده است..." اطلاعات ۲۸ آبان ۱۳۵۲

به توفان کمک مالی بوسانید

سرنگون باد رژیم محمد رضاشاهی

شرکت «حفظ منافع کشور»!

و اما روزی که در شاه کوه ما را به کوه کلا برداران و کلاهان بدل کرده است.

اگرچه فهرست شرکت‌ها می‌کند در عرض ما در ایران تشکیل می‌شود نگاهی بیفکند موضوع و میزان سرمایه بسیاری از آنها نشان می‌دهد که در حقیقت جزا اعتیاد را تدوین و معاملات نامشروع و کوشی بری ندارند. نمونه: شرکتی که در خرداد ماه گذشته بنام "موسسه جمعیت آذربایجان" تشکیل شد. چنانکه دیده می‌شود نام آن بی‌معنی است. اما موضوع عبارتست از "حفظ منافع کشور".

ملاحظه کنید که یک شرکت تجاری تشکیل می‌شود و موضوعی "حفظ منافع کشور" است! چقدر دروغ وحشه و تزویر در اینجا خوا بیده است!

اما موضوع دیگری هم دارد: "رفع نیازمندیهای آذربایجان و آذربایجان‌نویان در حدود قوانین و مقررات" راستی که از این منصفانه تر نمی‌شود.

اما رئیس هیئت مدیره این شرکت کیست؟

— آقای ساعد مراغهای کسا لهادریست نخست وزیر به "حفظ منافع کشور" مشغول بود! و در این اواخر در گذشت تا کسی نظیر او بیابد!

امپریالیسم فرانسه و ایران

"اقدام رئیس جمهور فرانسه در موقع اقامت چند ساله در تهران که از رهش ها و سیاست مستقل و انقلاب سفید ستا می‌کرد خالی از منقبت جوئی نیست. ایران به ملت انداز جمعیتی که خیلی پیش از جمعیت سایر کشورهای منطقه است — و به ملت منابع طبیعی و درآمدهای فراوانی با زاهداری برای کالاهای فرانسه است. در سال ۱۹۷۲ مجموع فروش ما در تهران به ۶۲۱ میلیون فرانک رسید یعنی خیلی پیش از مجموع صادرات ما به سایر کشورهای منطقه فارس. شرکت فعال بینگانه‌های فرانسه در اجرای نقشه پنجاه ساله ایران (۱۹۷۳ - ۱۹۷۸) ممکن است به فروش لوازمی به قیمت چندین صد میلیون فرانک منجر گردد. و علاوه بر این مذاکره برای انعقاد معامله مهم اسلحه در جریان است"

روزنامه "لوموند" ۱۹ سپتامبر ۱۹۷۳
 اذافه کنیم که فرانسه سال ۶۲۵ میلیون فرانک از ایران نفت می‌برد و شرکت فرانسوی نفت یکی از شرکاء کنسرسیوم است.

اذافه کنیم که با نك اعتبارات لیون یکی از بنیادگذاران بانک اعتبارات ایران است.

دنیا له "پک اندرز" به قلم می‌نویسد:

برای آنکه فشار خرید کنند و کمپانیهای آمریکایی بر سیاست کشورهای دیگر قیاس شود ذکر این يك مثال کافی است که تمام بودجه دولت بزرگی مانند دولت فرانسه تقریباً معادل رقم معاملات سالانه کمپانی ژنرال موتور آمریکایی است!

از اینجا میتوان دریافت که سرمایه‌های آمریکایی در کشورهای کم رشد چه پیدا میکند. نهی از مجموعه سرمایه‌های خارجی در کشورهای کم رشد متعلق بآمریکاست، و سود کمپانیهای مختلف آمریکایی در کشورهای در حال توسعه از ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۸ دو برابر سود آنها در کشورهای پیشرفته بود است.

اینجا حقایقی است که البته بر زبان سفیر آمریکا جاری نخواهد شد.

مادر دوران امپریالیسم یعنی سلطه سرمایه مالی بر سرمایه و سرمایه مالی قادر است با رخنه در رتار بود اقتصاد کشورها، حتی آنها را که استقلال رسمی دارند، با سارتند و آورد و به نیمه مستعمر تبدیل کند. نمونه روشنفکران کشورهاست که در آن هیچ صنعت نسبتاً مهمی را نمیتوان یافت که سرمایه خارجی، از راه سرمایه مستقیم مستقیم در آن رخنه داشته باشد. حتی روزنامه ای روزروائی نظیر "لوموند" اخیراً نوشت که با وجود همه سروصداها وابستگی ایران چه از لحاظ مالی و چه از لحاظ تولید روز بروز افزایش است.

کودتای ۲۸ مرداد ساختن بود اخته سرمایه‌های امپریالیستی و نمایندگان آنها یعنی دولت آمریکا و انگلستان بود. محمد رضا شاه گاشته این سرمایه‌هاست. رهائی خلق ایران از سرمایه‌های اسارتگر امپریالیستی در سرنگونی رژیم محمد رضا شاه است.

مجموعه معادن استان بلوچستان و سیستان ۲۶ کارکن دارد که ۸۰ هزار ریال حقوق میگیرند، و اگر محاسبه بالا را در اینجا نیز بکار ببریم دستمزد متوسط کارگر معدن در سیستان و بلوچستان یعنی در یکی از دشوارترین شرایط اقلیمی، مساوی خواهد شد با ۱۳۰ تومان!

ارقسام وحشتناکی است!

وحشتناک است بویژه اگر در نظر آورید که این ۲۰۰ با ۱۳۰ تومان دستمزد متوسط است و هرگاه حداقل را متناسب همین ارقام بحساب آوریم به رقمی کمتر از ۱۰۰ تومان میرسیم. صد تومان برای معدنکار صحرای بلوچستان!

وحشتناک است بویژه اگر در نظر آورید که این کارگران با خانه ندارند و تابستان و زمستان در زیر سقف آتشبار و یا برف و باران ریز آسمان بسر میبرند و یا ماهیانه بیش از یک سوم دستمزد خود را بکرایه اطاق میدهند. این کارگران درینا هیچ قانونی و بیمه ای نیستند و آنگاه که بیمار شوند فقط عزرائیل حال آنها را خواهد پرسید. روزی که معدن زغال سنگ طرزه (در ۵۰ کیلومتری شرق دامغان) منفجر شد و ۳۳ کارگر، ۳۳ نان آور خانواده را در زیر خروارها سنگ و خاک دفن کرد هیچکس سراغ زن و فرزند بی پناه آنها نرفت.

ارقام بالا متعلق به ۱۶ سال پس از کودتای ۲۸ مرداد است، متعلق بیکی از سالهای بعد از "انقلابات ملوکانه" است، متعلق به سالی است که حتی مطابق آمارهای رژیم کودتا شاخص هزینه زندگی نسبت به سال قبل از آن ۳/۶ - درصد ترقی کرد (تهران آگوست ۳ مرداد ۱۳۴۹) و تا امروز در قوس صعودی است. در همین سال وقتی که حتی یکی از گاشتهگان سازمان امنیت در مجلس زبان آمد و گفت که در تهران بیش از ۴۷۵ کارگر با دستمزدی کمتر از ۵۰ تومان اشتباه چایی نیست: کمتر از ۵۰ تومان — کار میکنند (اطلاعات ۱۴ اسفند ۱۳۴۸) اخیراً ننگار به پیشانی برخی از روشنفکران خود فروخته آمد. ولی اینک اگر دستمزد کارگران "معادن غیر متشکل" را از روی همین آمار رسمی "معادن متشکل" کنیم کم و بیش با همین رقم روبرو خواهیم بود.

رژیمی که با کودتای امپریالیست‌ها بر سر کار آمد و به سیاه ترین نیروهای اجتماعی ایران تکیه دارد شیره ای جز این برای زحمتکشان ایران بهار نخواهد آورد. تبلیغات رژیم هر چه باشد واقعیت را در نظر کارگران و دهقانان ایران در کون نخواهد ساخت. آنها در زندگی روزانه خود با واقعیت سرو کار دارند و برای تغییر آن پیکار میکنند. فقط سرنگونی قهرآمیز رژیم محمد رضاشاهی و استقرار حکومت دموکراتیک نهی بر رهبری کارگران و متکی بر همه طبقات و قشرهای ملی و دموکراتیک میتواند آینده را برای خلق زحمتکش ما تابناک گرداند.

کبریت در آب افتاده

قطعه‌ای از داستان کوتاه "گفتگوی من و غریبه" صبحگاهی: نویسنده با تبختر میگوید:

"این حرف‌ها همه تکراری است، تکراری و تهوع آور." و غریبه صبحگاهی پاسخ میدهد:

"برای نسل ترحم انگیز شما هیچ چیز باندازه همین لغت "تهوع آور" که بکار برید تکراری نیست. حتی در انشا-های کلاس چهارم و پنجم هم بچه‌ها همینند: "زندگی تهوع آور است". با این وجود من تکرار آن (یعنی حرف‌های غریبه صبحگاهی) را در نمی‌گویم. خوردن هم تکراری است. اما تا وقتی به غذا احتیاج دارید چاره ای ندارید جز اینکه خوردن را تکرار کنید صبح و ظهر و شب."

غریبه صبحگاهی ادامه میدهد:

"سکوت آقای من فراموش می‌آورد. هر لحظه که تابلوی "پیچ خطرناک" را از کنار یک پیچ خطرناک بردارید خطر مرگ و انهدام بیشتر میشود."

و باز در خطاب به نویسنده میگوید:

"شما تازمانی که بر نخاسته اید کبریت در آب افتاده‌اید هستنید، خیس و بی خطر. از کبریت فقط شکل ظاهرش را دارید. چه کسی از کبریت خیس میترسد که می‌باد آتشی بخرمسی بزنند؟"

نام شهرستان	تعداد کارکنان	مزد و حقوق بر هر ده هزار ریال
مازندران	۱۱۰۶	۳۳۱۴۶
آذربایجان شرقی	۱۱۹	۳۵۹۱
آذربایجان غربی	۳۷	۱۵۰

اکنون اگر تعداد کارمندان هر معدن را در درصد تعدد کل کارکنان و حقوق سرانه آنها را بطور متوسط ۱۰۰۰۰ ریال بحساب کنیم — و حال آنکه حقوق رئیس و معاون معدن و حساب دار و غیره بر مراتب از این بیشتر است — دستمزد ماهیانه متوسط کارگران زغال سنگ در شهرستانهای مذکور تقریباً مساوی خواهد شد با: ۲۰۰ تومان، ۲۱۰ تومان، ۱۲۰ تومان.

آتش، بهار و... به قلم می‌نویسد: ۱) مذاکرات صلح لغو کنند... نفت حکم نان را در دوره صلح نمیتوان آن را قطع کرد (اطلاعات ۳ آذر).

این نظر محمد رضاشاه تکلفی است بر سیاست امپریالیستی در خاورمیانه. آمریکا و شوروی که نقشهای خود را در حفظ حالت "نه جنگ و نه صلح" و ادامه خفت و اسارت خلقهای عرب، در اثر جنگ خاورمیانه و پیروزیهای سربازان دلیر عرب بهم ریخته دیدند. با سراسیمگی به انواع شانتاژ و ارعاب دست زدند تا به جنگ عادلانه خلقهای عرب خاتمه دهند و آنها را بهای میز مذاکرات بی سرانجام بکشاند. اسرائیل از فرصت استفاده کرد و پس از فرمان آتش بس با شغال مواضعی در غرب ترعه سوئز پرداخت تا در پشت میز مذاکره از موضع قدرت سخن بگوید. خلقهای عرب نیز به سلاح نفت متوسل شدند تا ضایعی برای پیشرفت سیاست ضد صهیونیستی و ضد امپریالیستی خویش داشته باشند. و امروز همه جهانیان می‌بینند که سلاح نفت اگر متحداً و پیگیرانه بکار برده شود برود پر دامنه و نیروی شایانی دارد. در چنین شرایطی است که محمد رضاشاه به کمک امپریالیسم و صهیونیسم می‌شاید و خلقهای عرب را از دست نفت به خلق سلاح فرا میخواند.

محمد رضاشاه میگوید: "نفت حکم نان را دارد". ولی خلقهای غارت زده صاحب نفت میدانند که نفت نان آنها را آجر کرده است، نفت برای آنها جز گرسنگی و برهنگی و شکستگی نیاورده است. نفت در حکم نان است اما برای امپریالیست‌ها در حکم خون است اما برای صنایع امپریالیستی، در حکم آتش است اما برای توپخانه دشمنان ما گرمای گناخ های بهشت آتشن است و سرمایه گبهای کلین. در واقع آنچه امپریالیست‌ها را شایسته خاورمیانه گردانیده نفت نیست، منافع نفت است. و گرنه خاک آمریکا از ذخائر نفت سرشار است و امکانات عظیمی از حیث سوخت در اختیار اکثر کشورهای امپریالیستی است. با استفاده از این منابع بخوبی میتوان چرخ های صنایع فولاد پیکر را بکار انداخت. اما هدف امپریالیست‌ها بکار افتادن صنایع نیست بلکه بدست آوردن حد اکثر سود است، و یکی از منابع این سود همانا نفت ایران و تقریباً رایگان خاورمیانه است. امپریالیست‌ها شایسته این ارزانی و رایگانگی اند. اگر هدف امپریالیست‌ها غارت منابع ثروت خلقها و استثمار نیروی کار آنها نبود (یعنی اگر امپریالیسم وجود نداشت) نه دولت تجار و کار اسرانیل ساخته میشد، نه بحران خاورمیانه پیش می‌آمد و نه نفت پستابا سلاح سیاسی بکار می‌افتاد. سود بیکران نفت به گاو صندوق امپریالیست‌ها میریزد نه به جیب زحمتکشان اروپا و ژاپن. سلاح نفت بر علیه امپریالیست‌هاست نه بر علیه زحمتکشان اروپا و ژاپن. محمد رضاشاه که میگوید: در صورت ادامه استعمار از سلاح نفت، دنیا به خلقهای عرب بچشم کسانی نگاه خواهد کرد که میکشند دنیا را بگام مرگ بکشاند، مستقیماً از زبان امپریالیست‌ها صحبت میکند.

محمد رضاشاه در همین صحابه در تحسین سیاست شوکت در جنگ خاورمیانه سخن میراند. حق دارد. زیرا که او و شوروی — چنانکه امپریالیسم آمریکا — همه با هم نقش فروزان این آتش مقدس را برعهده دارند. محمد رضاشاه آتشبار امپریالیست‌ها و آتش نشان انقلاب خلق است. ولی آتش که از دل خلق‌ها بر زباله‌های تاریخ، بر اسارت و استثمار و نواستعمار شعله میزند خاموش شدنی نیست.

پدیده های ... بقیه از صفحه ۱
 عوامل نوبن برسد یابنده یعنی تصمیم به پیکار و کرایش وحدت است البته این نکته را باید متذکر شد که سلاح نفت بخودی خود ، پهنهائی و جدا از سیاست همه جانبه ملی و ضد امپریالیستی و جنگ عادلانه ضد صهیونیستی ، هرگز به بازگرداندن زمین های اشغالی اعراب و استقرار حقوق ملی خلق فلسطین منجر نخواهد شد. مبالغه در تاثیر این سلاح وقانع ساختن اعراب بجنبه نفت مسلما بسود اسرائیل و امپریالیست های پشتیبان وی خواهد بود . آنچه بازور بوده شده است فقط با زور پس گرفته میشود .

محمد رضا شاه در یکی از مصاحبه های اخیر خویش باین خیال که داغ ننگین همکاری با صهیونیسم را از پیشانی خویش بزداید در توجیه روش دولت ایران و تحقیر دول عربی با صبانیت گفته است : " آیا رفتار احماقانه بهتر از رفتار عقلانی است ؟ هنگامی که جهان عرب دیوانه شد فکر کردیم که در این نوع دیوانگی شرکت کنیم ولی هنگامی که کیاست خود - مندانه ای را در پیش گرفتید ما همواره در سازمان ملل و خارج از آن با شما بوده ایم (اطلاعات ۴ آذر) .

ولی آیا هیچ سیاستمداری احماقانه تر از این سخنی گفته است ؟ فقط کسی که باتکا میلیارد ها دلار اسلحه خریده از امپریالیسم و در اثر تعلق های هرروزه و هراسناخته درباریان بدیوانگی خود خواهی و زور مبتلا باشد میتواند چنین عبارات بی لگام را بر زبان براند .

بنظر محمد رضا شاه ایستادگی در برابر امپریالیسم و جان فشانی در راه استقلال ، دیوانگی است . این منطق طبقاتی اوست . این منطق کسی است که " عاقلانه " با امپریالیست ها بر سر مصالح حیاتی میهن ما معامله میکند .

اما منطق " جهان عرب " منطق دیگر است ، منطق خلق های جهان است ، و همانطور حکم میکند که رفیق مائوتسده دون در یکی از اظهاریه های خویش بیان کرده است : " خلق های مستعبدیده و ملل رنجیده هرگز نباید در راه تحصیل آزادی ، چشم امید به " خریدندگی " امپریالیست ها و سگ های زنجیری آنها داشته باشند " .

۷ آذر ماه

درس عبرت بقیه از صفحه ۱
 بهمه آنها از طریق سلامت آمیز پارلمانی و بوسیله فرقه های سوسیالیسم برسند ! مقاله نشان میدهد که روزیونیست های شوروی چگونه برخی از احزاب کونیست را بباطلاق اپورتونیسم میکشاند و آنگاه که احزاب مذکور و خلق های آنان به شکست و ناکامی و سببیت امپریالیسم و ارتجاع گرفتاری آیند آنها را بامان دشمنان درها میکنند :

" روزیونیست های شوروی نیز در حوادث شیلی دخیل - اند . رهبران شوروی را هزاران رشته با امپریالیسم آمریکا در دستاورد فتنه انگیزی ها پیوند میدهد . رهبران شوروی تا آنگاه که دولت آئنده بر سرکار بود نخواستند و درصدد برنیامدند باو کت کنند زیرا که این امر باعث برخورد آنها با امپریالیسم آمریکا میشد و روابط دوستانه شوروی و آمریکا را می گسست " . مقاله میگوید :

" فقط در شیلی نیست که روش روزیونیست های خرو شجفی و نظریات آنان در باره انقلاب بمعک آزمایش میخورد . وقتی که ارتجاع داخلی ایران بارها برحزب توده حمله ور شد و صد هیا و هزارها کونیست و انقلابی ترقیخواه را کت و بزند اناندا هرگز روزیونیست های شوروی روابط خود را با ایران قطع نکردند . در حوادث تکان دهنده اندونزی که قریب ۵۰۰۰۰ کونیست و ترقیخواه کشتار شدند بار دیگر روش روزیونیست های شوروی و نظریات آنان مورد آزمایش قرار گرفت . در این جا نیز روزیونیست های شوروی بهیچ اقدامی دست نزدند و هیچگاه سفارت خود را از جا کارتا برنجیدند " .

" از این جا میتوان به جنبه عوام فریبانه اقدام چرچنجال امروزی آنها مبنی بر قطع رابطه دیپلماتیک با شیلی پی برد " . سخنان روزیونیست های شوروی در مورد همبستگی ادعائی با خلق شیلی و سایر شعارهای فریبنده آنان چیزی دیگری نیست مگر تظاهری برای انتقال افکار عویس ویرای مغنی داشتن خیانت بانقلاب و جنبش رهایی بخش خلق ها " .

کم حافظه ؟

مدیر امور نفتی و بین المللی شرکت نفت بمناسبت امضای قراردادها فتنانه جدید نفت اعلام کرد :
 " برخلاف آنچه دستگاههای تبلیغاتی خارجی میگویند ذخایر نفتی ما محدود به ۴۰ تا ۵۰ میلیارد بشکه نفت نیست . زیرا از طریق افزایش ضرب بهره دهی چاهها و همچنین کشف نا جدید ممکن است به ۹۰ تا ۱۰۰ میلیارد بشکه هم بالغ شود . وی سپس افزود که اینک کشف شده با توجه با بین مقدار ذخایر (که احتمالاً دو یا سه برابر کل میزان فروش نفت طی ۲۰ سال کنسرسیوم خواهد بود) چرا ما فقط ۲۹ میلیارد بشکه از نفت خود را به کنسرسیوم فروخته ایم یا چرا کم فروخته ایم این مطلبی است مربوط به خود ما و این امتیا زیرجسته است که قرارداد جدید

شناخت مشخصه بقیه از صفحه ۱
 جنگی بخلیج فارس ستیز در همسایگی های ایران پایگاه نظامی دارند ، بنام " حق ملت هادرتعمین سرنوشت خود " توطئه میکنند تا در موقع لزوم به تجزیه ایران از جنوب شرقی و غربی ویا شمال دست بزنند ، پشتیبان ارتجاع ایران و دشمن انقلاب خلق اند .

معذ لك ناه از آنها در برنامه سیاسی جنبه ملی نیست .
 اکنون وضع ایران در برابر امپریالیست ها تا حدی شبیه ۳۰ اودر نخستین سال های بعد از شهریور ۳۲۰ اودر زمان نهضت ملی شدن صنعت نفت است . در آن روزگار خلق ایران امپریالیسم انگلستان را خوب میشناخت ولی هنوز امپریالیسم آمریکا را که باقیافه دوست سخاوتمند " دولت بی مستعمره و " هوادار آزادی " قدم پیش گذاشته بود نیاز بوده بود . حزب توده ایران که در آن موقع در مواضع مارکسیستی - لنینیستی قرار داشت نقش بزرگی در افتنا این امپریالیسم تازه وارد ایفا کرد ولی ناشنا بودن امپریالیسم آمریکا در نزد برخی از سازمان های ملی و ضد امپریالیستی باعث شد که امپریالیسم آمریکا نقش مؤدیانه خود موفق کرد و سرانجام به دست امپریالیسم انگلستان دست ملی دگرهدق را سرتگون گرداند .

امروز نیز امپریالیسم جدیدی در عرصه جهان و ایران پیدا شده است : امپریالیسم شوروی ، که با بمناسبت عوام فریبی ط سوسیالیستیش اورا سوسیال امپریالیسم مینامیم . خطر این امپریالیسم بزرگ در آنست که از حیثیت عظیم نخستین دولت سوسیالیستی جهان سو استفاده میکند ، نیت امپریالیستی خود را با عبارات سوسیالیستی پنهان میدارد ، رقابت امپریالیستی با امپریالیسم آمریکا را بمثابة مبارزه ضد امپریالیستی جامیزند ، ادامه اسارت خلق را حفظ صلح مینامد ، سیادت خویش را به روزی انقلاب میخواند ، وضیره بدون افتنا سوسیال امپریالیسم شوروی نمیتوان تودمهای خلق را در مبارزه ضد امپریالیستی منجمله در مبارزه برضد امپریالیسم آمریکا تجویز کرد . تشدید تضاد بین ابر قدرت ها و تضعیف آنها بسود خلق های جهان و مبارزات ضد امپریالیستی آنهاست . ما باید از هر جنبش خلق ها از هر اعتراض دولت ها بر علیه سیادت دوگانه آمریکا و شوروی پشتیبانی کنیم .

مناصفانه برنامه سیاسی جنبه ملی دارای چنین جنبه نیست .
 باید گفت که حتی به مقام امپریالیسم آمریکا در اسارت جنبها و ایران نیز در این برنامه توجه لازم نشده است . درست است که همه جاز امپریالیسم سخن رفته ولی این حقیقت بجای میگویند باقی است که امپریالیسم در روزگار ما دارای جنبه معین ، تناقوا تضاد های درونی مشخصی است . چه چیز امپریالیسم امروز را از این لحاظ از امپریالیسم پیش از جنگ دوم و قبل از جنگ اول مشخص میگرداند ؟ بدون جواب دقیق باین سؤال ، نمیتوان مبارزه صحیح و موثر ضد امپریالیستی را رهبری کرد .

درست است که ایران مظهر استعمار جمعی است ولی بدون توجه به نقش خاص متفق امپریالیسم آمریکا نمیتوان وضعیت امپریالیسم را در ایران دریافت .
مناصفانه چنین تحلیلی در برنامه سیاسی جنبه ملی وجود ندارد و فقط در دروغا ، آنها بمناسبت کودتای ۲۸ مرداد از امپریالیسم آمریکا یاد شده است .
 امید داریم تذکراتین نکات و بحث دوستانه راجع بانهادر تقویت مبارزه مشترک ضد امپریالیستی ماسود مند افتد .

نفت بماداده و ما را حاکم مطلق بفسر نوشت منابع نفتی خود کرده است . اگر ما بیل نیابیم از نفتی که موجود است خود استفاد نمیکنیم و این ذخایر را برای نسل آینده باقی خواهیم گذاشت
کیهان شنبه ۳۰ شهریور ۱۳۵۲
 اینک بسختانی که همین عصر در دو هفته قبل از بیانات فوق درضا افتشام فارخ التحصیلانها شکسته نفت اظهار داغته است توجه کنیم :
 " تولید و فروش نفت به کنسرسیوم صادراتی قصابی شرکت ملی نفت ، نخست سیر صودی را طی کرده از سال ۱۹۸۱ سیر نزولی را آغاز خواهد کرد . علت کاهش تولید و صدور بخاطر آنست که ذخایر مشکوفه فعلی در ۲۰ سال آینده رو به پیا یا زاست ۵۰۰۰ در ۲۰ سال آینده ۴۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون بشکه نفت از حوزه فعلی با کنسرسیوم استخراج خواهد شد ۵۰۰۰ ذخایر فعلی حداکثر ۵۰ میلیارد بشکه تخمین زده میشود " .
کیهان شنبه ۹ شهریور ۱۳۵۲

راهزنان دریایا

با آنکه اتحاد شوروی ساحلی در مدیترانه ندارد کشتی های جنگی اودر ۱۹۶۴ - برای اولین بار - وارد مدیترانه شدند . ناوگان جنگی شوروی در مدیترانه کدر ۱۹۶۵ ۱۲ فروند بود اینک بیش از ۵۰ فروند است و از کشتی های حامل هلیکوپتر و موشک انداز ، زبرد ریاضی و غیره تشکیل میشود . اگر ناوگان شوروی در دریای سیاه را نیز در نظر بگیریم معاهده میگردد که بزودی نیروی دریایی شوروی در مدیترانه و ناوگان شش آمریکا در مدیترانه افزون تر خواهد شد . اعزام کشتی های جنگی به مدیترانه و سایر دریایا و اقیانوس های جهان از طرف امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی بمنظور تامین قدرت استراتژیک ، احراز سیادت جهانی ، تهدید استقلال ملل ، نظارت بر راههای دریایی بازرگانی ، تامین غارت ثروت های بحری و مداخله نظامی در کشورهای صورت میگیرد .
 و آنکا سوسیال امپریالیسم شوروی از " آرامش جهان " و " امنیت اروپا " دم میزند !

دروازه تمدن بزرگ !

لایحه ۵۰۰ مافیت ۱۵ قلم از کالاهای وارداتی هفته گذشته بصوب مجلس رسید . این کالاهای رتند از وارد ماهی ، ذرت ، روغن پنبه دانه ، روغن تخم آفتاب گردان ، پشم گشته ونشسته
کیهان ۱۳ مرداد
 " واردات گوشت توسط بخش خصوصی آزاد شد " .
کیهان ۹ مرداد
 " در سه ماهه اول سال جاری واردات ۶ برابر صادرات است " .
کیهان ۱۵ مرداد
 " تعداد متقاضیان کار در ماههای اول سال جاری سه برابر محل های خالی شغل بوده است " .

کیهان ۲۰ مرداد
 " در دو ماهه اول سال جاری عدم توازن زیاد در کالاهای وارداتی ۲۵/۸ میلیارد ریال رسید " .
کیهان ۶ مرداد
 " شکر در دو ماهه اخیر دریا بخت کم شد و قیمت آن از ۲۴ ریال به ۴۰ ریال در کیلو تغییر کرد " .
کیهان ۱۳ مرداد
 " در چند ماه اخیر دولت اقدام بخريد ۵۰۰ صد هزار تن سیمان از فیلیپین و ۲ میلیون تن از کوریا و ترکیه پاکستان و شوروی کرد " .
کیهان ۱۳ مرداد
 " تهران را دود گرفته ... فاضلاب تهران تا ۱۰ سال دیگر آماده میشود " .
کیهان ۹ شهریور
 " استخراج نفت ۲ میلیون بشکه در روز افزایش میابد " .
کیهان ۹ شهریور

عنوان مکاتبات
 X GIOVANNA GRONDA
 24030 VILLA D' ADDA/ITALY
 حساب بانکی
 X GIOVANNA GRONDA
 CONTO 17549/11
 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
 MILANO/ITALY

گسترش و پیروزی انقلاب وابسته بوجود حزب انقلابی پرولتری است

شناخت مشخص دو ابر قدرت

شانتاقرن بیستم است افزایش قدرت نمایی این دو دولت است. هیچ قتنه بزرگی در جهان انگیزته نمیشود که دست این دو دولت در کار نباشد. نه فقط فریاد کشورهای کوچک از استکراتی و فریبکاری این دو دولت بلند است بلکه پرخاش کشورهای بزرگ آمریکا نیز بر طبع آنها هر روز فاش تر و نیرومند تر میشود. جنگ اخیر خاور میانه مثال بسیار روشنی بود که نشان میداد این دو دولت در تحمیل اراده خویش بر خلق ها و دولت ها هیچ اختیاری نیست. دوستان مجازی و متحدان مصلحتی خویشند آرند.

اینست واقعیت جریان تاریخ، واقعیت وجودی و وابستگی قدرت امپریالیستی. ماکه از و ابر قدرت سخن میگوئیم منظورمان بیان مفهوم مجرد دولت بزرگ نیست بلکه واقعیت مشخص تاریخی وجودی و دولت بزرگ امپریالیستی آمریکا و شوروی را منعکس میسازیم، دو دولتی که هر کدام از راه مشخصی باین مرحله رسیده است؛ یکی با رشد و تکامل دولت امپریالیستی دیگری با تحول دولت سوسیالیستی به دولت امپریالیستی.

هیچ یک از مسائل و حوادث مهم سیاسی جهان سرچشمه داری را بدون نقش و ابر قدرت نمیتوان دریافت: فروزش و خاموشی حادثه دریای کارائیب، سرکوب انقلاب کنگو (برهبری لژوا) اشغال چک اسلواکی، تحولات بازار مشترک اروپا، مسئله آب های ساحلی، جنگ ویتنام، جنگ کابوچ، بحران خاور میانه و جنگ اعراب و اسرائیل، مسئله خلق فلسطین، مسئله بازار نفت و گاز، و غیره و غیره.

در کشور ما ایران هیچ حزب و جمعیت سیاسی نمیتواند سیاست ملی ضد امپریالیستی در پیش گیرد مگر آنکه بیگار بر طبعید و ابر قدرت را در سر لوحه برنامه خویش قرار دهد. اگر امپریالیسم آمریکا را ایران و خاور میانه و خلیج فارس تاخت و تازی میکند تکاپوی سوسیال امپریالیسم شوروی کمتر از او نیست. امروز شوروی هادر ایران سرمایه گذاری میکند، گاز ایران را بفارت میبرد، اشتغال نفت گرفته اند، در بازار گاتی خارجی ایران گران میفروشند و ارز را میخرند، تعداد کارشناسان شان و ویژه تعداد جاسوسان شان مستقیمشان از آمریکا کمتر نیست، کشتی بقیه در صفحه ۳

در جهان کنونی مابون ارزیابی نقش و ابر قدرت آمریکا و شوروی نمیتوان تحلیل درستی از اوضاع بین المللی داشت. بعضی هادعی اند که اصطلاح ابر قدرت خالی از مفهوم طبقاتی است و از این جهت نمیتواند توجه صحیح اجتماعی داشته باشد.

این ادعا از توجه به معنای لغوی کلمات و حفظ از مفهوم تاریخی آنها ناشی میشود. واقعیت تاریخی چنین است که همه کشورهای امپریالیستی از جنگ جهانی دوم ناتوان بر روی آمدند مگر آمریکا که بر ماتب نیرومند تر شد و سلطه اقتصادی و نظامی و سیاسی خود را گسترش داده سایر ممالک امپریالیستی و بخش عظیمی از کشورهای سه قاره را در زیر پرگرفت. حتی امروز هم که کشورهای بزرگ اروپا بتدریج قدر را دست گردانند و بر روی آمریکا پنجه میزنند باز خود را در برابر فشار شوروی نیازمند قدرت نظامی اوی بینند.

و باز واقعیت تاریخی چنین است که نخستین کشورشوراها تحت رهبری لنین و استالین بهرکت رژیم سوسیالیستی باچنان آهنگی در راه پیشرفت شتافت که پس از پیروزی در جنگ کبیر میهنی ضد فاشیستی بصورت نیروی عظیم جهانی درآمد، از حدیث قدرت اقتصادی و نظامی با آمریکا پهلوی پهلوی و از حیثیت معنوی بیسابقه ای در نزد خلق های جهان برخوردار بود. اما بعد از آنکه روزی نویستیها با کودتای ضد حزب حکومت رسیدند ما میت این قدرت در گروگن شد و از سوسیالیستی به امپریالیستی تحول یافت. دولت بزرگ شوروی که تا دیروز در کنار خلق ها در برابر امپریالیسم آمریکا و امپریالیسم های دیگر قرار داشت اینک در کنار امپریالیسم آمریکا و برابری خلق ها قرار گرفت. دولت های اروپای شرقی که تا دیروز بخشی از اردوی سوسیالیستی بودند بتدریج (باستثنای جمهوری تودهای پراقتار آلبانی) بصورت دست نشانده ها، زائده ها و نیمه مستعمره های شوروی درآمدند و دولت اخیر در روز آنهاحتی از اعمال شیوه های قدیم مستعمراتی نیز باقی نماند. ارد (چنانکه درباره چکسلواکی معمول داشت). شوروی امپریالیسم تازه بدوران رسید ای است که بر سر تقسیم جهان با امپریالیسم آمریکا در رقابت و سازش است. انحصار مباحثی که وسیله بزرگتر

پدیده های نوید بخش نوین در خاور میانه

اثرات و نتایج جنگ خاور میانه را در مدخلات توطئه کرانه آمریکا و شوروی، این دو مدعی جهان سالاری، در برقرار و "آتش بس" و در بازگشت حالت "نه صلح و نه جنگ" نباید خلا کرد. آنچه در عقب گذشته و میگذرد به مراتب عظیم تر از این است. جنگ خاور میانه افسانه شکست ناپذیری اسرائیل را در شکست، تضاد درونی در دو دسته فرمانروای یل آبی براتشدید کرد، برخی از محافظ اسرائیل را درباره سیاست تجاوز کارانه دولت خویش به اندیشه واداشت، شایستگی خلق های عرب را برای جانبازی در راه آزادی و استقلال بشوهرت رسانید، جنگ آزمائی سر باز عرب را بجهت نیان نشان داد، و در خلق های عرب اعتماد بنف و ایمان به پیروزی آفرید.

جنگ خاور میانه همبستگی خلق های جهان را با اعراب تحکیم کرد و خاور میانه را بیش از پیش با افریقا پیوند داد. اسرائیل که از سالهای ده سیست نفوذ در افریقا آغاز نهاده و مواضع متعدد اقتصادی، نظامی، فنی و سیاسی به دست آورده بود ناگهان رشته هایش پنبه شد. فقط در طی جنگ خاور میانه ۱۸ کشور افریقائی با اسرائیل قطع رابطه کردند و امروز مجموع تعداد آن کشورهای افریقائی که رابطه دیپلماتیک خود را با اسرائیل بریده اند به ۲۷ بالغ میگردد. جنگ خاور میانه، وحدت خلق های عرب را بد رجسه عالی تری ارتقا داد. هیچ دولت عربی، حتی ارتجاعی ترین، نتوانست در برابر گرایش پرتوان وحدت ایستادگی کند. در جبهه ضد اسرائیل نه فقط نیروهای مصری و سوریه ای و مبارزان فلسطینی بلکه سرانجامی از جمله تا جبل طارق با بنیه مالی و اسلحه دولت های گوناگون عربی به نبرد ایستادند امری که در تاریخ نوین خلق های عرب سابقه نداشته است، امری که آینده درخشانی در مبارزات ضد امپریالیستی نوید میدهد.

استفاده از سلاح نفت یکی دیگر از مظاهر وحدت خلق های عرب است. تصمیم کشورهای عربی بر تغلیل تولید نفت و عدم ارسال آن به ممالک دستیار اسرائیل لطمات بزرگ بر اقصای امپریالیست ها وارد ساخت، بحران بوجود آورد، تضاد بین امپریالیست ها و پیونده تضاد بین آمریکا و اروپا را تشدید کرد. تجربه نشان داد که سلاح نفت اگر با وحدت و همکاری بکار برده شود عامل موثری در مبارزات اقتصادی و سیاسی است. ده ها سال امپریالیست ها از این سلاح در هر دو حرصه استفاده کردند، هم ثروت خلق ها را ربودند و هم شرکت های امپریالیستی نفت را به پایگاه عبده سیاسی خویش، به دولتی در داخل دولت صاحب نفت، به مرجع وزیر نشان و وزیر برار می ساختند. شرکت نفت انگلیس و ایران نمونه ای از آن بود و کنسرسیوم نفت از بقایای آنست. در روزهای اوائل شهریور ۱۳۲۰ اگر نیروی موتوریزه و تانک ها و هواپیماهای ارتش شاهنشاهی نفت برای حرکت و پرواز نداشتند بحلت استفاده انگلستان از نفت آبادان بظاهر سلاح سیاسی بود. رضاخان میخواست با دولتی به ستیز برخیزد که هر لحظه بنا بر اراده خود میتوانست از تحویل نفت به ارتش رضاخان خودداری کند و آن را بصورت پرنده بی پروبال در آورد. اینک خلق های عرب در برابر امپریالیست ها بهمین نوع استفاده از سلاح نفت دست زده اند.

البته هنوز کمبود های بسیار در اردوگاه اعراب چشم میخورد: وجود دولت های ارتجاعی و دستیار امپریالیسم، تزلزل و بی تصمیمی برخی از دولت ها، نشناختن دستاورد شمر و گرفتاری به افسون روزی نویستی های شوروی، عدم تجهیز توده های خلق، فقدان احزاب مارکسیستی - لنینیستی و در پیوند با توده ها، و غیره و غیره. همین کمبود هاست که دولت های مصر و سوریه را پس از رهسپاری در طریق ظفر مند جنگ ها و لانه ضد صهیونیستی بر سر میز مذاکرات بی سر انجام کشانید و حالت خفت بار "نه جنگ و نه صلح" را باز آورد. آنچه تا زگی دارد وجود این نقایص دیرینه بقیه در صفحه ۳

درس عبرت

اقدامات آنان هرگز به در هم شکستن دستگاه کهن دولت بورژوازی و تعویض آن با دستگاه نوین نینجامیده است. سراسر تاریخ نهضت کونیستی و کارگری بین المللی نشان داده است که انقلاب از طریق اعمال قهر، ویرانه اختن دستگاه دولتی بورژوازی و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا، قانون عام انقلاب پرولتری است.

مقاله متذکر میشود که امروزه هر انقلاب، اعزاز و موکراتیک و ضد امپریالیستی و یا پرولتری و سوسیالیستی، بسایند نیروی مداخله گر امپریالیسم و بخصوص امپریالیسم آمریکا را کسابقه معتدی در کرد تاسازی دارد بحساب بگذارد. تا آنگاه که امپریالیسم وجود دارد سیاست تغییر ناپذیر او یعنی برده اخله در امور داخلی سایر کشورها، اقدام به توطئه های ضد انقلابی، سرنگون ساختن دولت های قانونی، برانداختن نیروهای موکراتیک و مترقی، خفه کردن انقلاب، و همچنین مابانی سیاست مذکور و امکانات اجرای آن وجود خواهد داشت.

"کودتای نظامی فاشیستی شیلی فقط کار ارتجاع را نیست بلکه کار امپریالیسم هم هست. مقاله خاطر نشان میسازد که انقلاب فقط با نیروهای ارتجاعی بی نقاب روبرو نیست. نیروهای نقاب آری نیز هستند که برای جلب توده ها عوام فریبی میکنند و در مواقع حساس بر انقلاب میتازند.

"فد انقلاب در شیلی فقط کار نیروهای صریحا ارتجاعی و امپریالیست های آمریکائی نیست. دولت آئنده بشد بدترین وجهی در معرض مبارزه و خرابکاری موکرات های مسیحی و سایر جریانات بورژوازی موسوم به رادیکال های موکرات نیز قرار گرفت، و این نیروها از نوع همان هائی هستند که احزاب کونیست ایتالیا و فرانسه میخواهند بقیه در صفحه ۳

درس عبرت

روزنامه "زری ای پوپولیت" ارگان مرکزی حزب کسار آلبانی در ۲ اکتبر در مقاله ای با عنوان "حوادث تا تراکیس شیلی، درس عبرتی برای انقلابیون سراسر جهان است" منجمله مینویسد:

"حوادث شیلی که برای خلق شیلی، صهیونی بزرگ ولی گذرا بشمار می آید، شکست چند جانبه ای است برای روزی نویستی های معاصر، ضربه بزرگی است بر تئوری های اپورتونیستی آنان. روزی نویستی ها، از شوروی گرفته تا ایتالیائی و فرانسوی "تجربه شیلی" را بنشانه نمودار مشخص تئوری های "تازه" خویش در مورد "راه مسالمت آمیز انقلاب" اریه سوسیالیسم برهبری احزاب گوناگون، گرایش ماهیت امپریالیسم با اعتماد، خاموشی مبارزه طبقاتی بر شرایط همزیستی مسالمت آمیز، و غیره اعلام میداشتند.

"در کلیه اسناد برنامه های احزاب روزی نویستی غرب که پس از کنگره بیستم حزب کونیست شوروی تنظیم شده "رامپارلما" گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم را مطلق ساخته و راه غیر سرج مسالمت آمیز را بگلی طرد کرده اند. و این امر سبب شده که احزاب مذکور بطور قطع از مبارزه انقلابی روی بر تانند و بای رفم های عادی اقتصادی و اداری محدودی باشند.

"تاریخ ثابت کرده و حوادث شیلی که در آنجا هنوز از سوسیالیسم خبری نبود و فقط رژیم موکراتیک برقرار بود بار دیگر صراحتا مسلم ساخته که استقرار سوسیالیسم از طریق پارلمانی بگلی غیر ممکن است. قبل از هر چیز باید تاکید کرد که تاکنون هرگز اتفاق نیفتاده است که بورژوازی بگذارد کونیست ها در پارلمان اکثریت بدست آورند و دولت تشکیل دهند. و حتی اگر اتفاق افتاده که کونیست ها و متحدانشان تعدادی در پارلمان بسود خود بوجود آورده و وارد دولت شده اند این امر تغییری در خصالت بورژوازی پارلمان و دولت وارد نکرده و

پیروز باد جنگ توده ای خلق کامبوج